

نقش ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با تأکید بر ویژگی‌های شرکت

عادل شاه‌ولی‌زاده

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.
A.Shahvalizadeh@gmail.com

نادر رضایی

استادیار، گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول)
Naderrezaeimiyandoab@gmail.com

عسگر پاک‌مرام

دانشیار، گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.
Pakmaram@bonabiau.ac.ir

حسن قالیباف‌اصل

دانشیار، گروه مدیریت مالی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
Ghalibafasl@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۲

چکیده

ساختار مالکیت و چارچوب‌های قانونی از اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل سیستم حاکمیت شرکتی است. اطلاعات سودمند اطلاعاتی هستند که دارای ویژگی‌های کیفی بوده، که یکی از این ویژگی‌های کیفی اطلاعات، مربوط بودن است. میزان مربوط بودن اطلاعات خاص بین استفاده‌کنندگان متفاوت است و به میزان نیاز آن‌ها به موضوع خاص بستگی دارد. اطلاعات مربوط، اطلاعاتی هستند که بتوان آن‌ها را در مدل‌های پیش‌بینی مورد استفاده قرار داد. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش ساختار مالکیت در مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر ویژگی‌های شرکت است. این پژوهش از نوع توصیفی، همبستگی و پس‌رویدادی است. بدین منظور، تعداد ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین در این پژوهش با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل موجود، از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برای بررسی روابط بین متغیرها نیز از رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، نقش میانجی ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ساختار مالکیت، مربوط بودن اطلاعات حسابداری، ویژگی‌های شرکت.

۱- مقدمه

از جمله اهداف اصلی گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات مربوط به عملکرد شرکت است. که این هدف با کمک سنجش مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری صورت می‌پذیرد. نظریه‌های اقتصادی بیان می‌کنند که بورس اوراق بهادار به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار محسوب می‌شود. از این منبع تأمین مالی به عنوان ابزاری کارآمد در تخصیص بهینه منابع جامعه یاد می‌شود. به خاطر همین، وجود بازار سرمایه‌ای فعال با مشارکت سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان از اهمیت خاصی برخوردار است. حضور سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار منوط به کسب سود و دستیابی به نتایج مالی مطلوب در بازار سهام است. سرمایه‌گذاران در صورتی می‌توانند امیدوار به کسب سود در بازار سهام باشند که تصمیماتی بهینه اتخاذ نمایند. اتخاذ تصمیمات بهتر به وسیله سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان در گروه دستیابی به اطلاعاتی مفید از منابع اطلاعاتی مختلف است. یکی از این منابع اطلاعاتی مهم، جهت اتخاذ تصمیمات برای استفاده‌کنندگان، ارائه صورت‌های مالی توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است. صورت‌های مالی، منابع بسیار مهمی از اطلاعات می‌باشند که سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری به آن نیاز دارند (جی‌جانگ^۱، ۲۰۰۹). دمانتیر و رفرنیر^۲ (۲۰۰۲) بیان کرده‌اند، در صورتی داده‌های حسابداری، معیار مناسبی درباره عملکرد شرکت هستند که اثر آن‌ها بر روی قیمت سهام مشاهده شود. در آن صورت، آن‌ها ارقام مربوطی بوده و استفاده از این داده‌ها، اطلاعات مربوطی درباره ارزش شرکت فراهم می‌کند که ارتباط تنگاتنگی با قیمت‌های بازار دارد.

اطلاعات سودمند، اطلاعاتی هستند که واجد ویژگی‌های کیفی باشند. یکی از این ویژگی‌ها مربوط بودن است. مربوط بودن به این معنی است که اطلاعات حسابداری باید توانایی ایجاد تفاوت در یک تصمیم را داشته باشند. سودمندی در پیش‌بینی، سودمندی در ارزیابی و به‌موقع بودن از عناصر ویژگی مربوط بودن است. اطلاعات مربوط، اطلاعاتی هستند که بتوان آن‌ها را در مدل‌های پیش‌بینی مورد استفاده قرارداد (هاند^۳، ۲۰۰۳). موضوع مربوط بودن یا عدم مربوط بودن اطلاعات حسابداری از نگرانی‌های دیرینه پژوهشگران حسابداری و مالی بوده است. هرچند پژوهش‌های متعددی از جمله پژوهش برگر و همکاران^۴ (۱۹۹۶)، برگستالر و دیچو^۵ (۱۹۹۷)، کولینز و همکاران^۶ (۱۹۹۷)، در این حوزه انجام گرفته، ولی وسعت اطلاعات حسابداری و مدل‌های تصمیم‌گیری مختلف سبب شده است که نتوان با قطعیت به این مسئله پاسخ داد که بین اطلاعات حسابداری کدام گروه از اطلاعات قدرت تبیین بالاتری در

متغیرهای وابسته مثل قیمت سهام را دارند. آیا اطلاعات گروه تعهدی از درجه مربوط بودن بالایی برخوردار است و یا اطلاعات گروه نقد از درجه مربوط بودن بالایی برخوردار است؟ اگر اطلاعات حسابداری بتوانند در مدل‌های پیش‌بینی مربوط به متغیرهایی مثل قیمت سهام، ارزش بازار شرکت‌ها و سایر متغیرهای مرتبط با بازده به‌عنوان داده‌های مفید وارد این مدل‌ها گردند، در این صورت می‌توان فرضیه مربوط به، مربوط بودن اطلاعات حسابداری را پذیرفت.

پژوهش‌های صورت گرفته از جمله پژوهش هاند (۲۰۰۳) و اولسون^۷ (۱۹۹۵)، بر ارتباط ارزش دفتری، سود حسابداری و ساختار سرمایه با ارزش شرکت تأکید دارند، با این حال از آنجایی که محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر کشور ایران متفاوت از کشورهای غربی است، در نتیجه لازم است اعتبار چنین ادعاهایی را با توجه به شرایط این کشور مورد آزمون قرارداد. اطلاعاتی که دارای دو ویژگی مربوط بودن و قابل اتکا بودن باشد در تصمیم‌گیری‌ها سودمند خواهند بود. بررسی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات حسابداری به‌طور مجزا بسیار مشکل است؛ زیرا مربوط بودن و قابل اتکا بودن، معیارهایی متضاد هستند و در مفاهیم گزارشگری مالی مقدار مربوط بودن یا قابل اتکا بودن اطلاعات جهت برخورداری از معیارهای مذکور تعیین نشده است؛ به‌عبارت‌دیگر، این دو معیار کمی نیستند و بررسی آن‌ها به قضاوت افراد وابسته است (بارث و همکاران^۸، ۲۰۰۱). مطالعه در زمینه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، به پیش‌فرض کارا بودن بازار نیازی ندارد؛ به‌عبارت‌دیگر این مطالعات نیازی به این فرض ندارند که ارزش بازار سهام واقعی است و بدون هرگونه سوگیری برآورد می‌شود. تنها پیش‌فرض مورد نیاز در این تحقیقات آن است که قیمت سهام منعکس‌کننده باورهای گروهی سرمایه‌گذاران است (جرد و همکاران^۹، ۲۰۰۷). اولین مطالعه‌ای که با عنوان مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری انجام پذیرفت توسط امیر و همکاران^{۱۰} (۱۹۹۳) بود. مطالعات اولسون (۱۹۹۵) و فلتم و اولسون^{۱۱} (۱۹۹۵) زیربنایی را برای تعریف مجدد هدف پژوهش در زمینه رابطه بین صورت‌های مالی و ارزش شرکت ارائه کرد و ساختاری را برای الگوسازی در این زمینه فراهم آورد.

با توجه به تحقیقات انجام‌شده در ایران در زمینه مربوط بودن اطلاعات حسابداری، پژوهش حاضر مؤلفه‌هایی را مورد آزمون قرار داده که در تحقیقات قبلی آزمون نشده است. لذا، در این پژوهش نقش ساختار مالکیت در مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر ویژگی‌های شرکت بر اساس مدل اولسون تعدیل شده آشکار می‌شود؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که نقش ساختار مالکیت

اطلاعات حسابداری، چهار رویکرد زیر را تعریف نموده‌اند (حمدی و همکاران، ۱۳۹۲):

- نگرش تحلیل بنیادی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری؛
- نگرش قابلیت پیش‌بینی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری؛
- نگرش اطلاعاتی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری؛ و
- نگرش اندازه‌گیری مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری.

اولین نگرش در مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، تحلیل بنیادی است که متضمن تعیین ارزش ذاتی سهام شرکت بدون مراجعه به قیمتی است که بر مبنای آن قیمت، سهام در بازار سرمایه معامله شده است. طبق این رویکرد، اطلاعات حسابداری از طریق ارزش‌های نهفته در خود، منجر به تغییر در روند قیمت‌های سهم، مشابه و هم‌جهت با تغییرات قیمت‌های بازار، می‌گردد. در این رویکرد فرض بر این است که بازار از کارایی لازم برخوردار نیست و مربوط بودن ارزش محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی نیز از طریق اندازه‌گیری بازده‌های ناشی از راهبردهای تجاری (خرید و فروش) بر مبنای اطلاعات حسابداری، استنتاج می‌گردد. از این‌رو، با اتکا به درجه ناکارایی اطلاعات بازار، سرمایه‌گذاران با به‌کارگیری اطلاعات حسابداری در دسترس عموم، قادر به تحصیل بازده‌های غیرعادی می‌شوند. این امر نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری در صورتی مربوط تلقی می‌شود که سبب سرمایه‌گذاری تشکیل شده بر اساس این داده‌ها، با بازده‌های غیرعادی همبستگی معناداری داشته باشد (باومن^{۱۵}، ۱۹۹۶).

دومین نگرش در مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، قابلیت پیش‌بینی است که به توان آن‌ها را در ارزیابی ارزش‌های آتی شرکت و پیش‌بینی بازده سال‌های آتی استفاده نمود. بر اساس این رویکرد، چنان‌چه اطلاعات صورت‌های مالی به پیش‌بینی خصیصه‌های نهفته ارزش کمک نماید (که عمدتاً نشأت گرفته از ارزش‌گذاری است) به عنوان ارزش‌های مربوط مدنظر قرار می‌گیرد. از این‌رو، اطلاعاتی مربوط است که بتوان از آن در پیش‌بینی سود، سود نقدی سهام و جریان‌های نقدی آتی استفاده کرد. بیشتر تحقیقات انجام شده در این زمینه بر پیش‌بینی سود تأکید دارند (فرانسیس و اسپچیر، ۱۹۹۹).

سومین نگرش در مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، اطلاعاتی به عنوان ارزش‌های مربوط محسوب می‌شوند که توسط سرمایه‌گذاران در قیمت‌گذاری سهام بکار گرفته شوند. با فرض این‌که بازار سهام از کارایی لازم برخوردار

در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با تأکید بر ویژگی‌های شرکت چگونه است؟ از این‌رو، انتظار می‌رود نتایج پژوهش حاضر بتواند به مدیران، تحلیل‌گران مالی، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی در درک بهتر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری در قبال ساختار مالکیت و ویژگی‌های شرکت، کمک کرده و آن‌ها را در اتخاذ تصمیم‌های صحیح مالی و سرمایه‌گذاری کمک نماید.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- مربوط بودن اطلاعات حسابداری

هدف حسابداری تهیه اطلاعات سودمند جهت تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و اعتباردهی عنوان شده است. اطلاعات سودمند اطلاعاتی هستند که واجد ویژگی‌های کیفی باشند. این ویژگی‌ها مربوط بودن و قابلیت اتکا هستند. اطلاعاتی مربوط است که بتوان آن‌ها را در مدل‌های پیش‌بینی مورد استفاده قرار داد (سعیدی و قادری، ۱۳۸۶). بنابراین زمانی که ارقام حسابداری مربوط هستند که این ارقام دارای یک ارتباط قابل پیش‌بینی با ارزش بازار سهام شرکت باشند. به طوری که اطلاعات مربوط را در ارزشیابی سهام شرکت به سرمایه‌گذار ارائه نماید (حبیب و عظیم^{۱۲}، ۲۰۰۸).

قیمت‌های بازار باید انعکاس از ارقام حسابداری باشند که این مفهوم خود را در مربوط بودن ارزش سود حسابداری نمایان می‌سازد به بیان دیگر مربوط بودن ارزش نیز به توانایی ارقام حسابداری در انعکاس اطلاعات خلاصه شده‌ای که بر ارزش شرکت تأثیرگذار است، تعریف می‌شود (اندرو و برنارد^{۱۳}، ۲۰۱۰). میزان مربوط بودن یک متغیر با ارزش سهام عبارت است از قدرت توضیحی و توان پیش‌بینی آن متغیر (اطلاعات حسابداری) از ارزش سهام. ارتباط بین ارقام و متغیرهای حسابداری با قیمت سهام و ارزش شرکت از دو جنبه؛ میزان مربوط بودن با ارزش شرکت و توان توضیحی بیشتر ارزش شرکت که از طریق مقایسه دو منبع اطلاعات به دست می‌آید، قابل بررسی خواهد بود (کردستانی و رودنشین، ۱۳۸۵). بنابراین، اگر اطلاعات حسابداری تسهیل‌کننده تصمیم‌گیری باشد، بایستی امکان پیش‌بینی بعضی از رویدادها و موضوعاتی را که به عنوان داده‌های ورودی یک مدل تصمیم می‌باشند، فراهم کند. مدل‌های تصمیم‌گیری را می‌توان از طریق تئوری‌های توصیفی واکنش سرمایه‌گذاران و بازار به اطلاعات حسابداری شناسایی کرد.

اجرای پژوهش‌های حسابداری از دیدگاه سرمایه‌گذار، نقطه آغازین مطالعاتی از این دست می‌باشد، چرا که فعالان بازار سهام رایج‌ترین کاربران اطلاعات صورت‌های مالی هستند. فرانسیس و اسپچیر^{۱۴} (۱۹۹۹) برای مطالعه درباره مربوط بودن ارزش

مورد نظر قرار می‌دهد که شرکت را در بازده زمانی بازده متأثر ساخته‌اند (بارث و همکاران، ۲۰۰۱).

در این پژوهش رویکرد چهارم مبنای قرار گرفته است که بر این اساس می‌توان مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را به عنوان توانایی ارقام حسابداری در تبیین قیمت سهام یا بازده سهام تعریف نمود. به عبارت دیگر، ارقام حسابداری دارای ارزشی مربوط هستند اگر رابطه پیش‌بینی کننده با ارزش بازار سهام داشته باشند. زیرا ارقام حسابداری تنها زمانی دارای ارزش مربوط هستند که سرمایه‌گذاران آن‌ها را در ارزیابی‌های خود از شرکت مربوط بدانند و همچنین آن‌ها را جهت انعکاس در قیمت سهام قابل اتکا تشخیص دهند.

اکثر تحقیقات در زمینه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، به سود حسابداری به‌عنوان معیاری سود و زیانی تأکید داشته‌اند که توسط بسیاری از سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در بازارهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ زیرا به آن‌ها اجازه می‌دهد تصویری از عملکرد واقعی شرکت به دست آورند و به ارزش‌گذاری آن‌ها کمک کند. بر مبنای حسابداری تعهدی ارزش شرکت‌ها تابعی از عملکرد آتی آن‌ها است که با سود حسابداری تحقق یافته، رابطه نزدیکی دارد (بناید و اباود۲۰۰۶، ۱۷). مطالعات انجام شده توسط اولسون (۱۹۹۵) بعد جدیدی را به این تحقیقات اضافه نمود. وی الگویی را برای بررسی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری ارائه کرد که شامل ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و سود حسابداری به‌عنوان متغیرهای مستقل بوده است. اولسون دو دلیل برای مطرح کردن این الگو داشت. اول این‌که ارزش دفتری سهام، شاخصی برای سود مورد انتظار آتی است؛ دوم این‌که، ارزش دفتری سهام نشان‌دهنده ارزش نقدی شرکت یا ارزش واگذاری آن است (بورگستالر و دیچو، ۱۹۹۷). تحقیقات زیادی در زمینه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری انجام شده است. برای مثال کولینز و همکاران (۱۹۹۷) تغییر در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را در دوره زمانی ۱۹۵۳ تا ۱۹۹۳ در بازار سرمایه آمریکا بررسی نمودند. آن‌ها نشان دادند که در آن دوره مربوط بودن ارزش اطلاعات کاهش نیافته است. البته مربوط بودن ارزش سود حسابداری در آن دوره کاهش یافته است؛ ولی در عوض مربوط بودن ارزش دفتری سهام این کاهش را جبران کرده است (طالب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴).

۲-۲- ساختار مالکیت

یکی از عواملی که می‌تواند بر کیفیت اطلاعات حسابداری اثرگذار باشد، انگیزه‌های مدیریتی جهت افزایش منافع شخصی است. تفاوت بین مالکیت و کنترل، عدم تقارن اطلاعات بین مدیریت

است، بررسی می‌شود که آیا سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود واقعاً به این اطلاعات اتکا می‌کنند یا خیر؟ مطالعاتی که عموماً از این نگرش ایده می‌گیرند بر دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت تمرکز دارند. مقاصد کلی چنین رویکردی، مطالعات بررسی واکنش بازار سهام نسبت به افشای اطلاعات حسابداری در دوره زمانی کوتاه‌مدت، نظیر چند روز یا چند هفته قبل یا بعد از تاریخ اعلان سود است. بنابراین در این دوره زمانی، اطلاعاتی دارای ارزش مربوط قلمداد خواهد شد که افشا و انتشار آن‌ها منجر به تعدیل انتظارات سرمایه‌گذاران گردد و در نهایت قیمت سهام را نیز در بازار سهام متأثر سازد. این رویکرد دلالت بر این مهم دارد که مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، بر حسب بازتاب‌های بازار نسبت به انتشار اطلاعات جدید سنجیده می‌شود. به عبارت دیگر ارزش اطلاعات حسابداری در صورتی مربوط است که بازار سهام نسبت به افشای آن اطلاعات واکنش معناداری از خود نشان دهد. محققانی که در مطالعات خود از این رویکرد استفاده می‌کنند، نوعاً به جای واژه مربوط بودن واژه محتوای اطلاعاتی را ترجیح می‌دهند (بیور^۶، ۱۹۹۸).

چهارمین نگرش در مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری، نگرش اندازه‌گیری در حسابداری قلمداد می‌شود. بدان معنی است که حسابداری به‌عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری است. البته باید توجه داشت که در این رویکرد، برخلاف رویکرد اطلاعاتی، فرض بر این است که سرمایه‌گذاران از اطلاعات تحت بررسی به طور کامل بهره‌برداری ننموده و اطلاعات گردآوری شده، از منابع به‌هنگام کسب نمی‌شوند. در این دیدگاه چنین استنتاج می‌شود که چنانچه یک قلم (یا سایر اقلام) حسابداری رابطه قابل اتکایی با معیارهای بازار (بازده سهام یا قیمت بازار) داشته باشد، اندازه و ارقام حسابداری، بار اطلاعاتی را ثبت و جمع می‌کنند. استنباط اخیر در حوزه‌های آزمون غیرمستقیم سودمندی اطلاعات حسابداری در راستای مقاصد ارزش‌گذاری رده‌بندی می‌شود. با این حال، یکی از استنتاج‌های مهم این رویکرد آن است که اطلاعات حسابداری می‌تواند «مربوط» پنداشته شود، لیکن چنانچه به دلیل وجود اطلاعات به‌هنگام‌تر، اطلاعات قبلی منسوخ شده باشد، به عنوان اطلاعات نامرتب در تصمیم‌گیری رده‌بندی خواهد شد (دمانتیر و رفرنیر، ۲۰۰۲). در این رویکرد هم قیمت و هم بازده سهام به عنوان معیارهای بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد، با این حال گزینش بین دو متغیر، به نوع سؤال و فرضیه‌های طرح شده بستگی دارد. مطالعات مبتنی بر قیمت، روایی صورت‌های مالی را به عنوان اندازه‌های تلخیص شده‌ای مورد واکاوی قرار می‌دهد که شرکت را تا تاریخ مشخصی متأثر ساخته است. از سوی دیگر، مطالعات مبتنی بر بازده، توانایی ارقام حسابداری را در ثبت و کنترل رویدادهای

فرصت‌های مدیریت سود می‌شود. این موارد می‌تواند بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری به عنوان شاخص کیفیت این اطلاعات اثرگذار باشد (حبیب و عظیم، ۲۰۰۸).

۳- پیشینه پژوهش

بارت و مک‌کلور^{۲۶} (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان ارزیابی مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در کشورهای اروپایی از سال ۱۹۶۲ الی ۲۰۱۴ الگوهای نوینی را برای مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری ارائه نمودند. پژوهش آن‌ها نشان داد که جریان‌های نقدی و ساختار مالکیت موجب تعدیل الگوی اولسون می‌شود.

وجیها و نیما‌تاسون^{۲۷} (۲۰۱۴)، با انجام مطالعه مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری و قیمت سهام در خصوص اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس سریلانکا نشان دادند که اطلاعات حسابداری تأثیر با اهمیت و معناداری بر قیمت سهام داشته و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با شواهد کافی و قابل اطمینان قابل تأیید است. هالون و همکارانش^{۲۸} (۲۰۱۳)، نیز ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری و تأثیر آن بر قیمت سهام را بررسی نمودند. روش مورد استفاده آن‌ها مدل اولسون (۱۹۹۵) می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که مربوط بودن ارزش دفتری با گذشت زمان افزایش یافته درحالی که مربوط بودن سود هر سهم با گذشت زمان کاهش یافته است.

کوبین و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۳)، در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که افزایش و اصلاحات مربوط بودن ارزش بیشتر به شرکت‌های کوچک‌تر تعلق دارد، شرکت‌هایی که با نرخ رشد پایین‌تر و شرکت‌هایی با دارایی‌های ثابت مشهود بیشتر و اصلاحات مربوط بودن ارزش در بازار سهام پرونق، معمولاً کمتر به چشم می‌خورد. هانلون و سلمرد^{۳۰} (۲۰۱۳)، در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که افزایش مالیات معوق بر اساس رویکرد ترازنامه‌ای از ارزش مربوط بودن برخوردار است. شایمن و گونتر^{۳۱} (۲۰۱۳)، با انجام مطالعه در خصوص پیش‌بینی پذیری سود، مربوط بودن ارزش اطلاعات و هزینه کارکنان در آلمان استدلال کردند که کارکنان به‌عنوان یک دارایی مهم در شرکت و همچنین یک منبع سرمایه فکری و انسانی می‌توانند بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارند.

یو^{۳۲} (۲۰۱۲)، با مطالعه این مسئله که آیا شناسایی در مقابل افشا بر مربوط بودن ارزش تأثیر دارد یا خیر؟ شواهدی از حسابداری بازنشستگی شرکت‌های آمریکایی ارائه نمود. وی نشان داد که در مورد اطلاعات بازنشستگی، افشای اطلاعات نیز بر مربوط بودن ارزش به‌طور معناداری مؤثر است. بهنام‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی تحلیل نقش اقلام

و سهامداران را افزایش می‌دهد که این مسئله می‌تواند انگیزه‌هایی را در مدیران جهت ارائه اطلاعات سوگیرانه، که نشان دهنده عملیات واقعی شرکت نمی‌باشند، با هدف بهره برداری از شرایط فوق ایجاد کند (جنسن و مکینگ^{۱۸}، ۱۹۷۶). مطالعات تجربی انجام شده نشان می‌دهد که تخصیص نامناسب منابع، زمانی روی می‌دهد که سرمایه‌گذاران در شناسایی چنین گزارش‌های سوگیرانه‌ای ناتوان هستند (بنیش، ۱۹۹۷).

محققان دریافته‌اند که برخی عوامل بازار می‌توانند این فعالیت‌های فرصت‌طلبانه، را که منجر به تخصیص نامناسب منابع می‌شود، محدود سازند. این عوامل شامل رقابت بازار تولید، بازار به عنوان مکانیزم کنترل شرکت (مانه^{۱۹}، ۱۹۶۵) و فشار بازار کار (فاما^{۲۰}، ۱۹۸۰) می‌باشند؛ با وجود این فشارهای بازار، تقاضا برای اعمال حاکمیت شرکتی مؤثرتر به منظور کنترل رفتارهای مدیریت، وجود دارد (کرونا و کیم^{۲۱}، ۲۰۰۴) و هرمالین و ویسباج^{۲۲} (۲۰۰۳). تعریف مورد توافقی برای حاکمیت شرکتی وجود ندارد و طیفی از تعاریف در این زمینه ارائه شده است. ویژگی مشترک تمامی این تعاریف پاسخگویی می‌باشد. بر اساس یکی از این تعاریف، حاکمیت شرکتی فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین اعمال مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران است (حساس یگانه، ۱۳۸۴). این تعریف بر اساس تئوری نمایندگی ارائه شده و حاکمیت شرکتی را تضمین کننده منافع سهامداران می‌داند.

به طور کلی بخش‌های مختلفی با شرکت‌های تجاری در ارتباط هستند. این ارتباطات باعث ایجاد انواع مختلف روابط اساسی نمایندگی مانند رابطه بین مالکیت و مدیریت، رابطه بین سهامداران کنترل کننده و سهامداران اقلیت، رابطه بین اعتباردهندگان و مدیریت، و رابطه بین قانون‌گذاران و شرکت‌های تجاری می‌شود. هدف اولیه حاکمیت شرکتی نظارت بر رفتارهای بخش‌های مختلف به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی برای این بخش‌ها است (مانیم و همکاران^{۲۳}، ۲۰۰۶). مطالعات تجربی نشان داده‌اند که حاکمیت شرکتی رابطه‌ای مثبت با کارایی و اثربخشی عملکرد شرکت دارد (اندرسون و همکاران^{۲۴}، ۲۰۰۴ و لاپورتا و همکاران^{۲۵}، ۲۰۰۲). همچنین، سرمایه‌گذاران تمایل دارند بهای بالاتری را برای سهام شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی مناسب پرداخت کنند. از دیدگاه گزارشگری مالی، نتیجه مطلوب حاکمیت شرکتی فراهم آوردن اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا برای گروه‌های استفاده کننده از صورت‌های مالی می‌باشد. زیرا اولاً، حاکمیت شرکتی مدیریت سود را محدود می‌سازد. ثانیاً، موجب افزایش حجم افشای اطلاعات شرکت می‌شود که این مسئله خود منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران و نهایتاً محدود ساختن

حسابداری نقش میانجی دارد.
فرضیه ۲: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری نقش تعدیلی دارد.
فرضیه ۳: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با کنترل ویژگی‌های شرکت نقش میانجی دارد.
فرضیه ۴: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با کنترل ویژگی‌های شرکت نقش تعدیلی دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش ساختار مالکیت در مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر ویژگی‌های شرکت است، لذا این پژوهش از نوع توصیفی، همبستگی و پس‌رویدادی است. جامعه آماری این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۵ تشکیل می‌دهند و شامل شرکت‌هایی است که حائز این شرایط باشد:

- برای وجود یکنواختی، پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفندماه باشد؛
 - سال مالی خود را در دوره زمانی پژوهش تغییر نداده باشند؛
 - داده‌های مورد نیاز از شرکت‌ها در دسترس بوده باشد؛
 - جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشند.
- پس از اعمال محدودیت‌های فوق ۱۵۵ شرکت، شرایط فوق را دارا بوده که به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب گردید. در زمینه ادبیات و پیشینه پژوهش و محاسبه متغیرها، اطلاعات مورد نیاز به ترتیب از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و نرم‌افزار اطلاعاتی ره‌آورد نوین استخراج گردیده است.

۶- الگو و متغیرهای پژوهش

برای سنجش مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری از الگوی تعدیل شده اولسون (۱۹۹۵) استفاده می‌شود. در این مدل ارزش بازار سهام به‌عنوان متغیر وابسته و سود هر سهم و ارزش دفتری سهام بر اساس رابطه (۱) به‌عنوان متغیرهای توضیحی تعریف می‌شوند:

رابطه (۱):

$$P_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 NI_{it} + \alpha_2 BVE_{it} + \varepsilon_{it}$$

سپس در این پژوهش الگوی اولسون طبق رابطه (۱) بر اساس متغیرهای جریان‌های نقدی تعدیل می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش، هریک از متغیرهای مربوط به ساختار

تعهدی در اندازه‌گیری عملکرد و کیفیت حسابداری بر اساس مدل نیکلوف^{۳۳} انجام دادند. نمونه آماری متشکل از ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶ است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین انحراف معیار مؤلفه عملکرد اقلام تعهدی از میانگین انحراف خطای حسابداری از لحاظ آماری مثبت و معنادار بوده و واریانس مشترک بین مؤلفه‌ها اندک است. همچنین با کنترل نوسان پذیری عملیاتی، جهت ارتباط معیار کیفیت اقلام تعهدی دیچو و دایچو^{۳۴} (۲۰۰۲) با ارزش شرکت تغییر می‌کند، در حالی که در مدل نیکلوف (۲۰۱۸) تغییر محسوسی حاصل نمی‌شود.

صادقی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی تمرکز سرمایه‌گذاران بر پایداری اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی در سال‌های گزارش زبان انجام دادند. نمونه آماری متشکل از ۶۶ شرکت تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پایداری اقلام تعهدی نسبت به جریان‌های نقدی کمتر است و سرمایه‌گذاران پایداری کمتر اقلام تعهدی را نسبت به جریان‌های نقدی مدنظر قرار می‌دهند؛ در نتیجه پایداری کمتر اقلام تعهدی در سال‌های گزارش زبان خالص و پایداری کمتر اقلام تعهدی نسبت به جریان‌های نقدی در سال‌های گزارش زبان خالص مورد تأیید قرار نگرفت.

مشایخ و نصیری (۱۳۹۵)، به بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافتند که شفافیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری دارد.

احمدپور و هادیان (۱۳۹۴)، به بررسی تغییرات مربوط بودن اطلاعات حسابداری پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافتند که بین مربوط بودن و اندازه شرکت رابطه معکوس و معنادار و بین مربوط بودن و رشد شرکت رابطه مستقیم و معنادار و بین مربوط بودن و بدهی شرکت رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین، حمدی و همکارانش (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری و عوامل تأثیرگذار بر آن به این نتیجه دست یافتند که مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری برای سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران، بر مبنای مدل بازده و قیمت است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

بر این اساس با توجه به ادبیات و مبانی نظری فوق، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح و آزمون گردیده است:

فرضیه ۱: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات

SPI: سود خالص سال قبل (عملیات در حال تداوم)؛
ASSETS: دارایی‌ها؛
IND: نوع صنعت؛
LOSE: زیان‌ده بودن؛
GR: رشد شرکت؛
ROA: بازده دارایی‌ها؛
LEV: اهرم مالی؛ و
SIZE: اندازه شرکت.

ساختار مالکیت

متغیر مستقل پژوهش حاضر ساختار مالکیت است و برای اندازه‌گیری آن از دو شاخص زیر استفاده شده است:

تمرکز مالکیت

درصدی از کل سرمایه در دسترس شرکت برای معامله در بازار سرمایه محسوب می‌شود و یا قسمتی از سهام یک شرکت است که بدون هیچ‌گونه محدودیتی قابل معامله می‌باشد.

مالکیت نهادی

از درصد سهام متعلق به سهامداران نهادی در هر دوره به دست می‌آید.

ویژگی‌های شرکت

در این پژوهش برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شرکت از شاخص‌های زیر استفاده شده است:

هزینه‌های تحقیق و توسعه: از نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه بر تعداد سهام در هر دوره به دست می‌آید.

سود خالص سال قبل (عملیات در حال تداوم): از نسبت سود خالص حاصل از عملیات در حال تداوم بر تعداد سهام در هر دوره به دست می‌آید.

دارایی‌ها: از نسبت مجموع دارایی‌های شرکت بر تعداد سهام در هر دوره به دست می‌آید.

نوع صنعت: صرف‌نظر از نوع طبقه‌بندی شرکت‌ها در صنعت مطابق سیستم شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در این پژوهش کلیه شرکت‌های نمونه به دو دسته تولیدی و غیرتولیدی تفکیک و از متغیرهای موهومی صفر و یک به ترتیب برای شرکت‌های تولیدی و غیرتولیدی استفاده شده است.

زیان‌ده بودن: اگر شرکت زیان گزارش نماید عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد.

رشد شرکت: متغیر دو وجهی است که از ترکیب دوم روش الگوهای جریان نقدی عملیاتی ارائه‌شده توسط دکنسون^{۳۵} (۲۰۱۰) ارائه شده است، استفاده می‌شود. بنابراین، اگر

مالکیت هم به صورت مستقل و هم به همراه ویژگی‌های شرکت و متغیر کنترلی به الگوی اولسون (۱۹۹۵) به صورت رابطه (۲)، (۳)، (۴) و (۵) وارد می‌شوند:

• آزمون الگوی اولسون (۱۹۹۵) با میانجی‌گری ساختار مالکیت (رابطه ۲)

$$P_{it} = a_0 + a_1NI_{it} + a_2BVE_{it} + a_3IN_{it} + a_4OC_{it} + \varepsilon_{it}$$

• آزمون الگوی اولسون (۱۹۹۵) با نقش تعدیلی ساختار مالکیت (رابطه ۳)

$$P_{it} = a_0 + a_1NI_{it} + a_2BVE_{it} + a_3IN_{it} + a_4OC_{it} + a_5IN_{it} \times NI_{it} + a_6OC_{it} \times NI_{it} + a_7IN_{it} \times BVE_{it} + a_8OC_{it} \times BVE_{it} + \varepsilon_{it}$$

آزمون الگوی اولسون (۱۹۹۵) با نقش میانجی‌گری ساختار مالکیت با کنترل ویژگی‌های شرکت:

(رابطه ۴)

$$P_{it} = a_0 + a_1NI_{it} + a_2BVE_{it} + a_3IN_{it} + a_4OC_{it} + a_5RD_{it} + a_6SPI_{it} + a_7ASSETS_{it} + a_8IND_{it} + a_9LOSE_{it} + a_{10}GR_{it} + a_{11}ROA_{it} + a_{12}LEV_{it} + a_{13}SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

• آزمون الگوی اولسون (۱۹۹۵) با نقش تعدیلی ساختار مالکیت با کنترل ویژگی‌های شرکت:

(رابطه ۵)

$$P_{it} = a_0 + a_1NI_{it} + a_2BVE_{it} + a_3IN_{it} + a_4OC_{it} + a_5IN_{it} \times NI_{it} + a_6OC_{it} \times NI_{it} + a_7IN_{it} \times BVE_{it} + a_8OC_{it} \times BVE_{it} + a_9RD_{it} + a_{10}SPI_{it} + a_{11}ASSETS_{it} + a_{12}IND_{it} + a_{13}LOSE_{it} + a_{14}GR_{it} + a_{15}ROA_{it} + a_{16}LEV_{it} + a_{17}SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن‌ها؛

P = ارزش بازار سهام؛

NI = سود هر سهم؛

BVE = ارزش دفتری سهام؛

OC = تمرکز مالکیت؛

IN = مالکیت نهادی؛

$OC \times NI$ = تعامل بین تمرکز مالکیت و سود هر سهم

$IN \times NI$ = تعامل بین مالکیت نهادی و سود هر سهم؛

$OC \times BVE$ = تعامل بین تمرکز مالکیت و ارزش دفتری سهام؛

$IN \times BVE$ = تعامل بین مالکیت نهادی و ارزش دفتری سهام؛

RD = هزینه‌های تحقیق و توسعه؛

مقادیر میانگین برای متغیرهای ارزش بازار سهام، ارزش دفتری سهام و سود هر سهم به ترتیب ۵۷۸۸/۴۰۱، ۲۱۶۶/۱۴۲ و ۷۰۹/۶۷۰ و مقادیر میانگین برای دو معیار تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی به ترتیب برابر با ۵۰/۸۸۷ و ۵۸/۲۸۵ و مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۶۲۶ است که نشان می‌دهد به‌طور متوسط شرکت‌ها حدود ۶۲/۶ درصد منابع مالی خود را به کل بدهی‌ها اختصاص داده‌اند و مقدار میانگین برای بازده دارایی‌های شرکت برابر با ۰/۰۹۹ بوده که نشان می‌دهد که به‌طور متوسط ۹/۹ درصد از سودآوری شرکت‌ها وابسته به دارایی‌های آن شرکت‌ها می‌باشد.

جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی مثبت، جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری منفی و جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های تأمین مالی مثبت باشد، ارزش عددی یک و در غیر این صورت ارزش عددی صفر با آن اختصاص می‌یابد.
بازده دارایی‌ها: از نسبت سود خالص بر مجموع دارایی‌ها در هر دوره به دست می‌آید.
اهرم مالی: از نسبت کل بدهی شرکت بر کل دارایی‌های شرکت در هر دوره به دست می‌آید.
اندازه شرکت: از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت در هر دوره به دست می‌آید.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی حاصل از پژوهش در سطح کل شرکت‌ها در جدول شماره ۲ و ۳ نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
ارزش بازار سهام	۵۷۸۸/۴۰۱	۷۱۳۵/۵۹۱	۱۴۳	۷۰۲۱۳/۳۲۰
ارزش دفتری سهام	۲۱۶۶/۱۴۲	۱/۵۸۷	-۶۹۷۳/۰۴۰	۱۴۳۲۶/۳۷۰
سود هر سهم	۷۰۹/۶۷۰	۱۱۵۰/۲۶۳	-۴۰۲۰	۹۲۰۴
تمرکز مالکیت	۴۹/۱۶۶	۳۵/۰۹۷	۰/۰۰۰	۹۹/۹۹۳
مالکیت نهادی	۵۸/۲۸۵	۳۲/۷۸۷	۰/۰۰۰	۹۹/۴۵۰
سود خالص سال قبل	۷۶۱/۶۳۹	۱۱۲۹/۷۱۶	-۳۴۲۱	۹۱۴۵
دارایی‌ها	۶/۸۶۳	۵/۴۴۵	-۰/۶۴۴	۴۰/۱۴۶
بازده دارایی‌ها	۰/۰۹۹	۰/۱۳۸	-۱/۱۵۷	۰/۶۳۹
اهرم مالی	۰/۶۲۶	۰/۲۳۶	۰/۰۹۰	۴/۰۰۲
اندازه شرکت	۱۳/۶۶۵	۱/۴۲۲	۹/۸۲۱	۱۹/۲۴۹

جدول شماره ۳: فراوانی متغیر کیفی پژوهش

متغیر	اندازه‌گیری	درصد
نوع صنعت	تولیدی (۱)	۹۶/۷۷
	غیرتولیدی (۰)	۳/۲۳
زیان‌ده بودن شرکت	زیان‌ده بودن (۱)	۱۲/۳۲
	سود ده بودن (۰)	۸۷/۶۸
چرخه رشد شرکت	دوره رشد (۱)	۴۲/۲۰
	دوره رکود (۰)	۵۷/۸۰

۷-۲- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری نقش میانجی دارد.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل؛ با توجه به این‌که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر است (۰/۰۰۰)؛ با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۵۴/۸ درصد از تغییرات متغیر مربوط بودن ارزش اطلاعات توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین-واتسون نیز در فاصله تعیین‌شده می‌باشد و این عدد نشان می‌دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خودهمبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی‌که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت کوچک‌تر از ۵٪ است (۰/۰۰۰) و (۰/۰۰۰)، در سطح اطمینان ۹۵٪ ساختار مالکیت، نقش میانجی در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات را ایفا می‌کنند. از این‌رو، این فرضیه مبنی بر نقش میانجی ساختار مالکیت، در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری مورد تأیید است.

می‌باشد و این عدد نشان می‌دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خودهمبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی‌که احتمال آماره t برای ضریب متغیرهای $IN_{jt} \times NI_{jt}$ و $OC_{jt} \times NI_{jt}$ کوچک‌تر از ۵٪ می‌باشد (۰/۰۰۰)، در سطح اطمینان ۹۵٪ مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی موجب تعدیل سود هر سهم در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات می‌شود. همچنین در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی‌که احتمال آماره t برای ضریب متغیرهای $IN_{jt} \times BVE_{jt}$ و $OC_{jt} \times BVE_{jt}$ بزرگ‌تر از ۵٪ می‌باشد (۰/۴۱۸) و (۰/۵۷۳) در سطح اطمینان ۹۵٪ مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت موجب تعدیل ارزش دفتری سهام در الگوی مربوط بودن اطلاعات نمی‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	۰/۶۹۶	۴/۵۶۰	۰/۰۰۰
ارزش دفتری	۱/۸۸۱	۸/۱۵۵	۰/۰۰۰
سود هر سهم	۱۰۹/۴۰۸	۷/۰۷۰	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۴	-۱/۹۳۲	۰/۰۵۳
تمرکز مالکیت	۰/۰۰۴	۱/۰۱۷	۰/۳۰۹
$IN_{jt} \times NI_{jt}$	-۱/۴۹۲	-۶/۷۳۱	۰/۰۰۰
$IN_{jt} \times BVE_{jt}$	-۰/۰۰۱	-۰/۸۰۹	۰/۴۱۸
$OC_{jt} \times NI_{jt}$	-۰/۰۰۱	-۴/۱۶۸	۰/۰۰۰
$OC_{jt} \times BVE_{jt}$	۰/۰۵۶	۰/۵۶۳	۰/۵۷۳
آماره $D-W$	R^2	آماره F	Prob
۱/۸۴۶	۰/۳۶۴	۱۳/۵۴۱	۰/۰۰۰
آزمون چاو	اعتبار آزمون	آماره	Panel
	۵/۳۸۵	آزمون	
آزمون هاسمن	اعتبار آزمون	آماره	الگوی اثرات ثابت
	۷۶/۲۶۹	آزمون	

جدول شماره ۴: نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	۰/۹۷۴	۷/۷۰۲	۰/۰۰۰
ارزش دفتری	۱/۵۷۵	۱۷/۳۹۸	۰/۰۰۰
سود هر سهم	۱۵/۶۱۷	۳/۹۰۱	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۵	-۳/۳۸۰	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	-۰/۰۰۶	-۳/۲۷۸	۰/۰۰۱
آماره $D-W$	R^2	آماره F	Prob
۲/۲۲۸	۰/۵۴۸	۱۳/۰۲۷	۰/۰۰۰
آزمون چاو	اعتبار آزمون	آماره آزمون	Panel
	۵/۳۸۸	آزمون	
آزمون هاسمن	اعتبار آزمون	آماره آزمون	الگوی اثرات ثابت
	۶۴/۱۴۱	آزمون	

فرضیه ۲: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری نقش تعدیلی دارد.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل؛ با توجه به این‌که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰)؛ با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۲۷/۲ درصد از تغییرات متغیر مربوط بودن ارزش اطلاعات توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین-واتسون نیز در فاصله تعیین‌شده

فرضیه ۳: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با کنترل ویژگی‌های شرکت نقش میانجی دارد. در بررسی معنی‌دار بودن مدل؛ با توجه به این‌که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر است (۰/۰۰۰)؛ با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۴۷/۴ درصد از تغییرات متغیر

تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین- واتسون نیز در فاصله تعیین شده می‌باشد. و این عدد نشان می‌دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خودهمبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می‌شود. در بررسی معنی داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر $IN_{jt} \times NI_{jt}$ کوچک‌تر از ۵٪ می‌باشد (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۵٪ مالکیت نهادی موجب تعدیل سود هر سهم در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات می‌شود. همچنین در بررسی معنی داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیرهای $OC_{jt} \times BVE_{jt}$ و $IN_{jt} \times BVE_{jt}$ بزرگ‌تر از ۵٪ می‌باشد در سطح اطمینان ۹۵٪ مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت موجب تعدیل ارزش دفتری و تمرکز مالکیت موجب تعدیل سود هر سهم در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات نمی‌شود.

مربوط بودن ارزش اطلاعات توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین- واتسون نیز در فاصله تعیین شده است و این عدد نشان می‌دهد که خطاها از یکدیگر مستقل هستند و بین خطاها خودهمبستگی وجود ندارد و فرض همبستگی بین خطاها رد می‌شود. در بررسی معنی داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مالکیت نهادی کوچک‌تر از ۵٪ می‌باشد (۰/۰۴۲) در سطح اطمینان ۹۵٪ مالکیت نهادی نقش میانجی در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات را ایفا می‌کند. همچنین، در بررسی معنی داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر تمرکز مالکیت بزرگ‌تر از ۵٪ می‌باشد (۰/۲۲۵) در سطح اطمینان ۹۵٪ تمرکز مالکیت نقش میانجی در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات را ایفا نمی‌کند.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	-۲/۰۵۲	-۷/۷۶۶	۰/۰۰۰
ارزش دفتری	-۳/۵۶۴	۲۱/۳۴۳	۰/۰۰۰
سود هر سهم	-۱۳/۸۸۰	-۲/۷۷۸	۰/۰۵۵
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۲	-۲/۰۲۷	۰/۰۴۲
تمرکز مالکیت	۰/۰۰۷	۱/۲۱۱	۰/۲۲۵
هزینه‌های تحقیق و توسعه	-۴/۶۲۱	-۰/۵۵۴	۰/۵۷۹
سود هر سهم سال قبل	۱۶/۴۷۶	۲/۷۹۹	۰/۰۰۵
نسبت دارایی‌ها به تعداد سهام	-۹/۳۴۰	-۲/۴۱۱	۰/۰۱۶
نوع صنعت	۰/۰۵۲	۰/۴۹۸	۰/۶۱۸
زیان ده بودن	۰/۵۸۱	۸/۶۲۹	۰/۰۰۰
رشد شرکت	۰/۰۰۴	۰/۱۰۰	۰/۹۲۰
بازده دارایی‌ها	۴/۱۷۹	۱۷/۴۱۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۳/۶۲۵	۱۷/۰۷۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۸۰	-۶/۲۴۰	۰/۰۰۰
آماره $D-W$	R^2	$R^2 Adj$	آماره F
۲/۰۵۵	۰/۴۷۴	۰/۴۷۰	۱۲/۷۷۲
آزمون چاو			
اعتبار آزمون		آماره آزمون	
۱/۹۸۰		۰/۰۶۱	

جدول شماره ۷: نتایج آزمون فرضیه چهارم

متغیرهای پژوهش	ضریب رگرسیون	آماره t	احتمال t
مقدار ثابت	-۲/۰۵۲	-۷/۳۲۵	۰/۰۰۰
ارزش دفتری	۳/۲۰۲	۱۳/۹۴۴	۰/۰۰۰
سود هر سهم	۵۱/۶۵۸	۳/۵۴۴	۰/۰۰۰
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۴	-۲/۵۹۴	۰/۰۰۹
تمرکز مالکیت	۰/۰۱۰	۳/۰۲۱	۰/۰۰۲
$IN_{jt} \times NI_{jt}$	-۱/۰۶۲	-۵/۲۵۴	۰/۰۰۰
$IN_{jt} \times BVE_{jt}$	۰/۰۰۲	۱/۸۷۲	۰/۰۶۱
$OC_{jt} \times NI_{jt}$	-۰/۰۰۳	-۱/۶۸۳	۰/۰۹۲
$OC_{jt} \times BVE_{jt}$	۰/۱۲۳	۱/۳۲۴	۰/۱۸۵
هزینه‌های تحقیق و توسعه	-۵/۸۰۴	-۰/۷۰۱	۰/۴۸۳
سود هر سهم سال قبل	۱۱/۳۷۷	۱/۸۳۵	۰/۰۶۶
نسبت دارایی‌ها به تعداد سهام	-۹/۸۶۰	-۲/۵۵۸	۰/۰۱۰
نوع صنعت	۰/۰۷۸	۰/۷۶۱	۰/۴۴۶
زیان ده بودن	۰/۶۰۰	۸/۸۸۱	۰/۰۰۰
رشد شرکت	-۰/۰۰۴	-۰/۱۱۸	۰/۹۰۵
بازده دارایی‌ها	۳/۹۷۰	۱۵/۹۶۷	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۳/۵۰۲	۱۶/۳۱۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۰۷۴	-۵/۴۰۴	۰/۰۰۰
آماره $D-W$	R^2	$R^2 Adj$	آماره F
۲/۰۶۹	۰/۳۸۳	۰/۳۷۸	۱۰/۱۰۶
آزمون چاو			
اعتبار آزمون		آماره آزمون	
۱/۲۰۲		۰/۰۹۸	

فرضیه ۴: ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با کنترل ویژگی‌های شرکت نقش تعدیلی دارد. در بررسی معنی دار بودن مدل؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰)؛ با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که ۳۸/۳ درصد از تغییرات متغیر مربوط بودن ارزش اطلاعات توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها

۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش به دنبال بررسی نقش ساختار مالکیت در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با تأکید بر ویژگی‌های شرکت بود که در این راستا نیز چهار فرضیه مطرح شد. با جمع‌آوری داده‌ها از نمونه مورد بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش، یافته‌ها نشان داد که فرضیه اول، مبنی بر نقش میانجی ساختار مالکیت، در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری مورد تأیید است، این نتیجه با نتایج پژوهش بارث و مک‌کلور (۲۰۱۷)، مشایخ و نصیری (۱۳۹۵) و احمدپور و هادیان (۱۳۹۴) همخوانی دارد. در این پژوهش این فرضیه تأیید شده است. از این‌رو، می‌توان اذعان داشت که ساختار مالکیت به سهامداران اجازه می‌دهد تا به طور مستقیم از منافع خود مراقبت کنند، لذا با افزایش مالکیت سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاران بیشتر علاقه‌مند می‌شوند که بر تصمیم‌های مدیریتی نظارت کنند. همچنین، درصد مالکیت زیاد بعضی از سهامداران توانسته است، مزیت کاهش تعداد سهامداران را به دنبال داشته باشد و شاید موجب ایجاد روابط مالی و تجاری شود، که به نفع سهامداران اصلی است.

بر اساس فرضیه دوم، نقش تعدیلی ساختار مالکیت، در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری مبنی بر مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی موجب تعدیل سود هر سهم در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات می‌شود. در حالی که مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت موجب تعدیل ارزش دفتری سهام در الگوی مربوط بودن اطلاعات نمی‌شود. در این پژوهش این فرضیه تأیید نشده است. بر اساس فرضیه سوم، نقش میانجی ساختار مالکیت، در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با در نظر گرفتن ویژگی‌های شرکت، مالکیت نهادی نقش میانجی در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات را ایفا می‌کند در حالی که تمرکز مالکیت نقش میانجی در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات را ایفا نمی‌کند. در این پژوهش این فرضیه تأیید نشده است. بر اساس فرضیه چهارم، نقش تعدیلی ساختار مالکیت، در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری با در نظر گرفتن ویژگی‌های شرکت، مالکیت نهادی موجب تعدیل سود هر سهم در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات می‌شود در حالی که مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت موجب تعدیل ارزش دفتری و تمرکز مالکیت موجب تعدیل سود هر سهم در الگوی مربوط بودن ارزش اطلاعات نمی‌شود. در این پژوهش این فرضیه تأیید نشده است.

به طور کلی نتایج حاصل از فرضیه‌های پژوهش که سبب کشف نقش میانجی‌گری ساختار مالکیت بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با لحاظ نمودن ویژگی‌های شرکت و بدون لحاظ نمودن ویژگی‌های شرکت بوده است. از این‌رو، به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود که توجه

بیشتری به بحث ساختار مالکیت داشته باشند و آن را در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند و نسبت به بحث ساختار سرمایه بی‌تفاوت نباشند، زیرا این عوامل می‌تواند نقش میانجی را در مربوط بودن اطلاعات حسابداری داشته باشند. ساختار مالکیت در هر زمان خاص، چه متمرکز و چه پراکنده، باید تحت تأثیر اشتیاق سرمایه‌گذار باشد تا ارزش شرکت را به حداکثر برساند.

فهرست منابع

- * احمدپور، احمد و سیدامین هادیان (۱۳۹۴)، تغییرات مربوط بودن اطلاعات حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره اول، صص ۱-۲۰
- * بهنام‌پور، محمود، ایزدی‌نیا، ناصر و بابک صفاری (۱۳۹۸)، تحلیل نقش اقلام تعهدی در اندازه‌گیری عملکرد و کیفیت حسابداری بر اساس مدل نیکلوف، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۶، شماره سوم، صص ۳۲۷-۳۴۷
- * حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۴)، مفاهیم حاکمیت شرکتی، حسابداری، شماره ۱۶۷، صص ۳۰-۳۳
- * حمدی، کریم، فعال قیومی، علی، برزوزاده زواره، محسن و نسترن تقی‌خانی (۱۳۹۲)، مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری و عوامل تأثیرگذار بر آن، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۷۳-۱۹۳
- * سعیدی، علی و احسان قادری (۱۳۸۶)، بررسی مربوط بودن سود حسابداری، ارزش دفتری و گردش وجه نقد عملیاتی و سرمایه گذاری در مدل‌های ارزشیابی مبتنی بر قیمت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۴۷-۶۴
- * صادقی، محسن، دستگیر، محسن و هادی امیری (۱۳۹۷)، بررسی تمرکز سرمایه‌گذاران بر پایداری اقلام تعهدی و جریان‌های نقدی در سال‌های گزارش زیان، فصلنامه حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱-۲۳.
- * طالب‌نیا، قدرت‌اله، دسینه، مهدی و فاطمه مریدی (۱۳۹۴)، اثر تصمیمات مالی مدیریت بر جریان‌های نقدی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۸۷-۱۰۶.
- * کردستانی، غلامرضا و حمید رودنشین (۱۳۸۵)، بررسی میزان مربوط بودن اجزای نقدی و تعهدی سود حسابداری به ارزش بازار شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره سیزدهم، شماره ۳، صص ۴۵-۶۸
- * مشایخ، شهناز و سیده سادات نصیری (۱۳۹۵)، تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری،

- پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۵، شماره سوم، صص: ۱۲۷-۱۵۴
- * Francis, J., and Schipper, K., (1999), have financial statements lost their relevance? *Journal of Accounting Research*, 37(2), PP. 319-352
 - * Gee-Jung, K., (2009), the value relevance of book values, earnings and cash flows: evidence from Korea. *International Journal of Business and Management*, 4(10), PP. 28-42
 - * Gjerde Q., Knivsflå, K., and Sættem F., (2011), the value relevance of financial reporting in Norway 1965-2004, *Scandinavian Journal of Management*, 27(1), PP. 113-128
 - * Habib, A., and Azim, I., (2008). Corporate governance and the value relevance of accounting information, *Accounting Research Journal*, Vol. 21, No. 2, pp. 167-194.
 - * Halonen, E., Pavlovic, J., and Persson, R., (2013), Value relevance of accounting information and its impact on stock prices: Evidence from Sweden, *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 9(1), PP. 47-59
 - * Hand, J. R., (2003), the value relevance of financial statements in private equity markets, Available at SSRN 484382.
 - * Hanlon, M., and Slemrod, J., (2009), what does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement, *Journal of Public Economics*, 93(1-2), PP.126-141
 - * Hermalin, B.E. and Weisbach, M. (2003), Board of directors as an endogenously determined institution: a survey of the economic literature, *Economic Policy Review*, Vol. 9, pp. 7-26.
 - * Jensen, M.C. and Meckling, W.H. (1976), Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, pp. 305-60.
 - * Khurana, I.K., and Kim, M. (2004), Relative Value Relevance of historical Cost vs. fair Value: Evidence from bank holding companies, *Journal of Accounting and Public Policy*, 22,19-42.
 - * La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., Shleifer, A., and Vishny, R. W. (2002). Investor protection and corporate valuation, *Journal of Finance*, 57, 1147-1170
 - * Maniam, B., Subramaniam, G., and Johnson, J. (2006), Perspectives of corporate governance in the US and abroad, *The Business Review*, Vol. 5, No. 2, pp. 36-43.
 - * Manne, H. (1965), Mergers and the market for corporate control, *Journal of Political Economy*, Vol. 73, No. 2, pp. 110-20.
 - * Ohlson, J. A., (1995), Earnings, book values, and dividends in equity valuation, *Contemporary accounting research*, 11(2), 661-687
 - * Schiemann, F., and Guenther, T., (2013), Earnings predictability, value relevance, and employee expenses, *The International Journal of Accounting*, 48, PP. 149-172
 - * Vijitha, P., and Nimalathasan, B., (2014), Value relevance of accounting information and share price: A study of listed manufacturing companies in Sri Lanka. *Merit Research Journal of Business and Management*, 2(1), PP. 1-6
 - * Yu, K. (2012), Does recognition versus disclosure affect value relevance? Evidence from pension accounting, *The Accounting Review*, 88(3), PP. 1095-1127
 - * Amir, E., Harris, T.S., and Venuti, E.K., (1993), A comparison of value relevance of US versus non-USGAAP accounting measures using Form 20-F reconciliations, *Journal of Accounting Research*, Supplement, Vol. 31, PP. 230-264
 - * Anderson, U., Kadous, K., and Koonce, L. (2004), the role of incentives to manage earnings and quantification in auditors' evaluations of management provided information, *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 23, No. 1, pp. 11-27.
 - * Barth, M. E., Beaver, W. H., and Landsman, W. R., (2001), the relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: another view. *Journal of accounting and economics*, 31(1-3), PP. 77-104
 - * Barth, M. Li, K. Mcclure, C., (2017), Evolution in Value Relevance of Accounting Information, *Journal of Financial Economics*, <https://ssrn.com/abstract=2933197>
 - * Bauman, M. P. (1996). A review of fundamental analysis research in accounting, *Journal of Accounting Literature*, 15, 2-10
 - * Beaver, W. H. (1998), financial reporting: an accounting revolution, Prentice Hall, Englewood Cliffs, NJ
 - * Benayed, M. and Abaoud, E. (2006), Value relevance of Accounting Earnings and the Information Contents: Empirical Evidence in Tunisian Stock Exchange
 - * Berger, P. G., Ofek, E. and Swary, I. (1996), Investor valuation of the abandonment option, *Journal of financial economics*, 42(2), PP. 259-287
 - * Brinn, T., M.J, Peel and R, Roberts, (1994), Audit fee determinants of independent subsidiary unquoted companies in the UK - an exploratory study, *British Accounting Review*. Vol. 26 No.2, pp. 101-21.
 - * Burgstahler D and Dichev I (1997), Earnings, Adaption and Equity Value, the *Accounting Review*, Vol. 72, PP. 187-215
 - * Collins, D. W., Maydew, E. L. and Weiss, I. S., (1997), Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past forty years, *Journal of accounting and economics*, 24(1), PP. 39-67
 - * Dickinson, V., (2011), Cash flow patterns as a proxy for firm life cycle. *The Accounting Review*, 86(6), PP. 1969-1994.
 - * Dumontier, P., and Raffournier, B., (2002), Accounting and capital markets: a survey of the European evidence. *European accounting review*, 11(1), PP. 119-151
 - * Fama, E.F., (1980), Agency problems and the theory of the firm, *Journal of political Economy*, Vol. 88, pp. 288-307
 - * Feltham, G. A., and Ohlson, J. A., (1995) Valuation and clean surplus accounting for operating and financial activities, *Contemporary accounting research*, 11(2), PP. 689-731
 - * Filip, A., and Raffournier, B., (2010), the value relevance of earnings in a transition economy: The case of Romania. *The International Journal of Accounting*, 45(1), 77-103



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 11/ No. 42/ Summer 2022

The Role of Ownership Structure in the Relevance of the Value of Accounting Information with Emphasis on the Characteristics of the Company

Adel Shahvalizadeh

Ph.D. Student, Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran
A.Sahvalizadeh@Gmail.com

Nader Razaei

Assistant Prof., Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. (Corresponding Author)
Naderrezaeimiyandoab@Gmail.com

Asgar Pakmaram

Associate Prof., Department of Accounting, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran
Pakmaram@Bonabiau.ac.ir

Hasan Ghalibafasl

Associate Prof., Department of Financial Management, Alzahra University, Tehran, Iran
Ghalibafasl@Yahoo.com

Abstract

Ownership structure and legal frameworks are one of the main and determining factors of corporate governance system. Useful information is information that has qualitative characteristics, and one of these qualitative characteristics of information is relevance. The degree of relevance of specific information varies among users and depends on the extent to which they need to be specific. Relevant information is information that can be used in forecasting models. The main purpose of this study is to investigate the role of ownership structure in the relevance of the value of accounting information with emphasis on the characteristics of the company. This is a descriptive, correlation and post-event study. For this purpose, the data of 155 companies listed in Tehran stock exchange during 2006-2018 were studied. In this research, with regard to the type of data and the common method of analysis with such data, the pooled data method has been used. The relationship between variables was investigated using multivariate regression. The results indicate that the ownership structure plays a mediating role in the Relevance of the Value of Accounting Information.

Keywords: Ownership structure, relevance of accounting information, company characteristics.

